

اعجاز مدیریتی قرآن با رویکرد اخلاقی*

سیده طاهره حسینی** و طاهره ماهروزاده***

چکیده

اعجاز مدیریتی از وجوه اعجاز علمی قرآن است که مورد توجه قرآن پژوهان معاصر قرار گرفته است. بشر در چگونگی اداره خود و مدیریت جوامع، نیازمند آموزه‌های وحیانی است. شیوه‌های هدایت و مدیریت قرآن برخاسته از اسباب فرا طبیعی است. این وجه از اعجاز در صورت اثبات دارای ثمرات و آثار فراوانی در مدیریت است که می‌تواند از مدیریت فردی تا مدیریت کلان جهان را دربر بگیرد و نمونه بارز آن تحوّل است که در مدت زمان کوتاهی در جامعه جاهلی صدر اسلام ایجاد کرده است.

این نوشتار که با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع تفسیری و مدیریتی و به روش کتابخانه‌ای نگارش یافته، ضمن تبیین اعجاز مدیریتی، به بیان ویژگی‌های اخلاقی مدیران در دو حوزه فردی و اجتماعی پرداخته است تا نگاه جامع قرآن را در ارائه الگویی کامل در حوزه اخلاقی مدیران با هدف اثبات این وجه از اعجاز به نمایش بگذارد و دریچه‌ای نو در عرصه مطالعات مدیریتی بگشاید.

واژگان کلیدی: اعجاز قرآن؛ اعجاز مدیریتی، مدیریت قرآنی، اخلاق فردی مدیران، اخلاق اجتماعی مدیران.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۱۸ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۶/۱۳.

** دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده تفسیر و علوم قرآنی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول):
thosseini56@yahoo.com

*** استادیار جامعه المصطفی العالمیه: mahrozadeh@gmail.com

مقدمه

یکی از ابعاد اعجاز انگیز قرآن که در دهه‌های اخیر مورد توجه اندیشمندان و محققان قرآنی واقع شده است، مدیریت و رهبری جامعه است. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: «قرآن دریایی است که ژرفای آن درک نمی‌شود و دارای باطنی ژرف و ناپیداست که مطالب شگفت‌آور آن تمام نمی‌شود و اسرار نهفته‌اش پایان نمی‌پذیرد» (ر.ک: ترجمه دشتی، نهج البلاغه، ۱۳۸۰: خطبه ۱۹۸).

علامه طباطبایی و آیت‌الله معرفت معتقدند که قرآن در تمامی ابعاد معجزه است ولی با اختلاف مخاطبان متفاوت است. برای مثال، قرآن معجزه ادبی برای ادیبان، معجزه سیاسی برای سیاست‌مداران و معجزه حکمت برای حکیمان و... است (طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴: ۱/ ۵۷-۶۷؛ معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۴۱۰: ۴/ ۱۳۴ و ۲۳؛ رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، ۱۳۸۷: ۱/ ۷۷ و ۷۰) (۱) قطعاً قرآن که به عنوان معجزه الهی و برنامه‌ای جامع از جانب خداوند برای هدایت بشر فرستاده شده، منبعی لایتناهی برای رفع تمام نیازهای او می‌باشد که از جمله آن نیازها، نیاز به اداره صحیح و رهبری دقیق جامعه بشری است تا بتواند در سایه یک مدیریت شایسته و صحیح به سعادت حقیقی خود برسد و این در حالی است که هیچ مکتبی تا به حال نتوانسته کامل و جامع تمام ابعاد زندگی بشر، از جمله مدیریت را پوشش دهد. لذا در عصر حاضر، علی‌رغم پیشرفت‌ها و تنوری‌های بروز شده غربی و شرقی، کمبودهای فراوانی در تبیین و اجرای قوانین مدیریتی وجود دارد. از جمله این کمبودهای شاخص، عدم وجود ملاک‌های اخلاقی و التزام به اخلاق در مدیریت‌های خرد و کلان این جوامع می‌باشد که همه، ریشه در نقص نگرش آن مکتب‌های مادی دارد که همه سعادت بشر را در رشد سرمایه - به هر قیمتی - می‌دانند.

ضمن این‌که باید توجه داشت، در جهان معاصر، مدیریت و رهبری، از مهم‌ترین ارکان جامعه محسوب می‌شود و سازمان‌ها، ستون اصلی جوامع بشری هستند که تقریباً در تمام شئون زندگی انسان از تولد تا مرگ تأثیر گذارند و نقش نظام‌اداری در ساختارهای اقتصادی،

سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و... تأثیر آن در تحقق اهداف کلان سازمان‌های جامعه به اندازه‌ای تعیین‌کننده است که بدون داشتن یک نظام مدیریتی کارآمد، اثربخش و اخلاق‌مدار، دست یازیدن به آن اهداف، عملی نیست (نجات‌بخش اصفهانی و شهرداری، مقایسه ویژگی‌های مدیریت از دیدگاه قرآن کریم، ۱۳۸۸: ۷۴).

و این در حالی است که قرآن، معتبرترین منبع برای مطالعه رویکردهای مدیریتی است؛ دارای مفاهیمی در زمینه شناخت انسان، شناخت اجتماع، اصول سازماندهی و هدف‌گذاری برای آبادانی، آسایش و پیشرفت علمی و معنوی و نیز شبکه روابط و مناسبات مؤثر و سازنده برای انجام رفتارهای معطوف به اهداف متعالی است. امروزه نه تنها تفسیر مدیریتی قرآن ممکن و جایز شمرده شده، بلکه یک امر ضروری است تا بتوان از مفاهیم و دستورهای مدیریتی آن به شیوه‌ای روش‌مند استفاده نمود (مؤدب و لطفی، پیش‌فرض‌ها و مبانی مطالعات مدیریتی قرآن کریم، ۱۳۸۸: ۱۲۲) و نظریه‌پردازی‌های قرآن در زمینه علوم انسانی؛ مثل مبانی مدیریت در قرآن... اگر به خوبی مورد توجه و کاوش قرار گیرد، می‌تواند انقلابی در جهان علوم انسانی پدید آورد و چهره جهانی را در قرن بیست و یکم تغییر دهد (رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، ۱۳۸۷: ۱/۹۷).

بنابراین تبیین اعجاز قرآن در این زمینه به عنوان یک منبع جامع و کامل و وحی الهی که به تمام ابعاد هدایت بشر، من جمله مدیریت و رهبری و شاخصه‌های ممیز آن از دیگر دیدگاه‌های مادی پرداخته است که به صورت کاربردی مورد استفاده قرار گرفته و عملیاتی شود، ضروری به نظر می‌رسد.

درباره ابعاد مختلف مدیریت و به خصوص مدیریت از منظر قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام)، و حتی ارتباط مدیریت و اخلاق، پژوهش‌های علمی و کتاب‌های فراوانی نوشته شده است. از جمله این کتاب‌ها می‌توان به کتاب «پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی» آیت الله مصباح یزدی، و یا کتاب «مدیریت و فرماندهی در اسلام» آیت الله مکارم شیرازی و نیز کتاب‌های متعدد دیگری اشاره کرد، اما با وجود تفحص فراوان، در باب اعجاز مدیریتی قرآن، کتاب مستقلی مشاهده نگردید و تنها دست‌آوردی که به دست آمد؛ کتاب «پژوهشی در اعجاز علمی قرآن» می‌باشد که توسط حجة الاسلام والمسلمین دکتر رضایی اصفهانی نگارش یافته است که البته ایشان در این کتاب ارزشمند به طور کلی به بحث اعجاز علمی قرآن و اهمیت آن پرداخته و به اثبات

اعجاز آیات قرآن در حیطه برخی از علوم قطعی بشری می‌پردازد و اشاره مستقیمی به اعجاز مدیریتی قرآن نکرده است. اما ایشان در کتاب «تفسیر قرآن مهر» و مقالات مختلف به این شاخه از اعجاز قرآن کریم پرداخته است. (ر.ک. به رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، ۷/۱؛ قوامی، لطفی، رضایی اصفهانی، مجله قرآن و علم، ش ۸۵/۴). از دیگر کتب در این زمینه کتاب «سیصد نکته در مدیریت اسلامی» از حجة الاسلام محسن قرائتی است که به جهت استناد دهی و دسته بندی مشخص موضوعات و اشاره به نکات مهم تفسیری آیات قرآن در ارتباط با مقوله مدیریت، در این مقاله بیش تر مورد استفاده قرار گرفته است. ضمناً مقالاتی نیز در این زمینه موجود است، از جمله: «مقاله اعجاز مدیریتی قرآن» از مرحوم جناب حجة الاسلام و المسلمین امیرعلی لطفی؛ مقاله‌ای که در آن برای اولین بار به طور مشخص به بحث اعجاز مدیریتی و ویژگی‌ها و پیش نیازهای آن پرداخته شده است؛ و مقاله «اعجاز مدیریتی قرآن با تأکید بر نظریه رهبری اخلاقی» از دانشجوی دکتری آقای عبدالمؤمن حکیمی که به بحث رهبری اخلاقی به عنوان اعجاز مدیریتی قرآن، به صورت کلی پرداخته و گزاره‌های آن را بیش تر در ارتباط با پیامبر اکرم ﷺ و سایر پیامبران مورد بررسی قرار داده است.

اما وجه تمایز نوشتار فعلی نسبت به پژوهش‌های پیشین، واکاوی ویژگی‌های اخلاقی مدیران در آیات الهی به صورت جزئی، به عنوان یکی از ابعاد اعجاز مدیریتی قرآن می‌باشد و علاوه بر این مهم‌ترین آیاتی که مرتبط با موضوع نگاشته می‌باشد، طی جداولی به تفکیک ویژگی اخلاق فردی و اجتماعی مدیران تنظیم شده است.

از این رو نوشتار حاضر به دنبال بررسی این سوال است که قرآن کریم ویژگی‌های اخلاقی مدیران را در دو بعد فردی و اجتماعی چگونه تبیین نموده است؟ و چگونه می‌توان به وسیله این گزاره‌ها به اثبات اعجاز مدیریتی قرآن دست یافت؟

مفهوم‌شناسی

اعجاز

«اعجاز» مشتق از ریشه ثلاثی مجرد «ع ج ز» است که به معنای درماندگی، ناتوانی و نیز انتهای هر چیز است (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۴۰۴: ۴/۲۳۲؛ فراهیدی، العین، ۱۴۱۴: ۲/۱۲۷۳).

از اصطلاح‌های کلامی و به معنای امری خارق‌العاده همراه با تحدی و سالم از معارضه است و خداوند آن را به‌دست پیامبرش پدید می‌آورد تا نشان راستی رسالت وی باشد (فخررازی، المحصل، ۱۴۱۱: ۴۸۹؛ حلی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ۱۴۲۲: ۲۷۱؛ عضدالدین ایجی، المواقف فی علم الکلام، بی‌تا: ۳۳۹) و اموری که آدمیان عادی از انجام آن ناتوان و درمانده‌اند (سعیدی‌روشن، معجزه‌شناسی، ۱۳۷۹: ۱۸). در قرآن کریم معجزه با الفاظی هم‌چون: بینه (اعراف/ ۱۰۶، ۷۳)؛ برهان (قصص/ ۱)؛ سلطان (ابراهیم/ ۱۴)؛ بصیرت (انعام/ ۱۰۴) و شیء مبین (شعراء/ ۲۶) آمده است.

مدیریت

«مدیریت» از نظر لغت یعنی «اداره‌کردن» و «مدیر» اسم فاعل از مصدر «اداره» به معنای «اداره‌کننده» است. «اداره» از ماده «دور» گرفته شده که مصدر آن «دوران» به معنای «گردیدن» است؛ بنابراین «مدیر» یعنی «گرداننده» و «مدیریت» به معنای گرداندن یک سازمان در راستای هدف خاص آن می‌باشد (باقرالموسوی، مدیریت و نظام اداری از دیدگاه امام علی علیه السلام، ۱۳۸۴: ۳۳). در قرآن کریم از تدبیر جهت امر مدیریت استفاده شده است؛ از آن جمله در سوره سجده آیه ۵ می‌فرماید: ﴿يَدَّبَّرُ الْأُمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ﴾؛ او (خداوند) کار را از آسمان تا زمین تدبیر می‌کند.

از مدیریت، تعاریف متعددی ارائه شده که هر یک با توجه به زمینه‌های کاری از دیدگاه‌های خاصی برخوردار است اما جامع‌ترین تعاریف در این محور خلاصه می‌شود که مدیریت، فرآیند به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول صورت می‌گیرد (رضائیان، اصول مدیریت، ۱۳۹۵: ۶). بدین ترتیب، اعجاز مدیریتی قرآن یعنی، بیان قواعد، قوانین و گزاره‌هایی از مدیریت و اداره جامعه در آیات قرآن است که ۱۴۰۰ سال پیش توسط قرآن کریم تبیین شده است، در حالی است که بشر، در آن زمان، نه تنها بهره‌چندانی از این گزاره‌ها در اداره جوامع خود نداشت، بلکه حتی گاهی نسبت به برخی از آن‌ها بی‌اطلاع بود و یا اگر هم وجود داشت، به اهمیت آن پی نبرده بود و اکنون بعد از قرن‌ها در پی تحقیقات فراوان، جامعه‌شناسان و محققان اجتماعی به آن قوانین پی برده و در قرون اخیر حقیقت این نوع رازگویی قرآن بیش از پیش بر دانش‌وران عرصه مدیریت آشکار شده و به نام اعجاز مدیریتی قرآن تعبیر می‌شود.

اعجاز مدیریتی قرآن

با دقت در مبانی علم مدیریت می‌توان استنباط کرد که بینش نظریه‌پردازان این علم نسبت به نظام هستی، اجتماع و انسان، نقشی اساسی در نظریه‌های آن‌ها داشته است (ملاکاظمی، قرآن و علم، ۱۳۸۸: ۴/ ۱۴۵). هم‌چنین در می‌یابیم که روش مدیریت هر جامعه، متأثر از ارزش‌های حاکم بر آن جامعه است. بنابراین بدیهی است که جامعه اسلامی، اصول مدیریت خود را بر پایه باورها و ارزش‌های اعتقادی خود بنا نهد تا جامعه، سازمان‌ها و سیستم‌های موجود در آن را در راستای اصول مدیریت اسلامی و قرآنی اداره نماید (همان). اسلام دارای نظام ارزشی عمیق، گسترده و منسجمی است که مدیریت مدیران مسلمان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، در روش‌های عملی آن‌ها اثر می‌گذارد و به حرکت آن‌ها جهت می‌دهد. این بزرگ‌ترین نقشی است که اسلام در مدیریت ایفا می‌کند و معنای صحیح «مدیریت اسلامی» نیز همین است (مصباح یزدی، پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی، ۱۳۹۱: ۲۶۲)؛ نظرات و تئوری‌هایی که در مدیریت اسلامی مطرح می‌گردد، ریشه در قرآن و کلام اهل بیت علیهم‌السلام دارد. از طرفی آیات مدیریتی قرآن دارای عمق و ژرفای دقیقی هستند که بعد از ۱۴ قرن، امروز مورد استناد و توجه بسیاری از اندیشمندان علم مدیریت قرار گرفته است. نظراتی که بشر با رشد علمی روز افزون خود، تا به حال فقط به اهمیت و کارایی تعدادی از آن‌ها پی برده است و قطعاً در آینده با تعمق در آیات این معجزه آسمانی، پنجره‌های جدیدی بر روی علم مدیریت گشوده خواهد شد که می‌توان از آن با عنوان اعجاز مدیریتی قرآن نام برد.

درباره اعجاز مدیریتی قرآن، آیه‌ها یا اشاره‌های مدیریتی فراوانی در قرآن وجود دارد (مؤدب و لطفی، قرآن و علم، ۱۲۵/ ۴) که برخی از مفسران معاصر، دست‌کم سیصد نکته مدیریتی از آن استخراج کرده‌اند و فرض این است که می‌توان اعجاز مدیریتی قرآن را اثبات کرد، چرا که در طول هزار و چهار صد سال، این مسئله در عمل ثابت شده است و تنها به تبیین علمی نیاز دارد (قوامی، لطفی، رضایی اصفهانی، قرآن و علم، ۱۸۵/ ۴).

شاید بتوان گفت که اعجاز مدیریتی قرآن نیز با توجه به زیرشاخه‌های علم مدیریت، دارای زیر مجموعه‌هایی متفاوت می‌باشد و از آن جا که قرآن به عنوان معجزه الهی اهمیت زیادی به نقش منابع انسانی در نظام مدیریتی می‌دهد، لذا یکی از زیر شاخه‌های اعجاز مدیریتی قرآن

ویژگی‌های متعددی است که برای مدیران، اعم از اعتقادی، اخلاقی فردی و اجتماعی، عمل‌کردی و رفتاری و ویژگی‌های تخصصی و استعدادی، به ترسیم می‌کشد که هر کدام از این مقوله‌ها مجزا موضوعاتی بسیار مهم و کاربردی بوده و می‌تواند مورد بررسی و تحقیقات علمی قرار گیرد و دریچه جدیدی را در مباحث اعجاز علمی قرآن بگشاید و به اثبات آن پردازد. و این پژوهش به تبیین و بررسی برخی ویژگی‌های اخلاقی مدیران در آیات الهی قرآن پرداخته است تا بدین وسیله قدمی در اثبات اعجاز مدیریتی قرآن برداشته باشد.

ویژگی‌های اخلاقی مدیران در قرآن

اخلاق

«اخلاق» به معنای خوی، طبع و سرشت (عمید، فرهنگ فارسی عمید، ۱۳۸۲: ۶۰۶) که صورت درونی و باطنی و ناپیدای آدمی است که با بصیرت درک می‌شود در مقابل خلق که به صورت ظاهری انسان گفته می‌شود، که با چشم قابل رؤیت است (مرتضی زبیدی، تاج‌العروس من جواهر القاموس، ۱۳۰۶: ۶/۳۳۷؛ ابن منظور، لسان‌العرب، ۱۴۱۴: ۴/۱۹۴؛ راغب اصفهانی، المفردات فی غریب الفاظ القرآن، ۱۳۸۱: ۱۵۹).

در اصطلاح «صفات نفسانی راسخ و پایداری که موجب می‌شوند افعالی متناسب با آن صفات به سهولت و بدون نیاز به تأمل از آدمی صادر شود (ابی‌علی مسکویه، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، ۱۴۱۱: ۵۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳: ۶۷/۳۷۲).

و با توجه به تعاریف فوق آن‌چه از اخلاق در این نوشتار مورد نظر است: صفات ثابت نفسانی است که در اثر ممارست و تکرار در اعمال و رفتار انسان رسوخ پیدا کرده و چنان شاکله شخصیت انسان را تشکیل داده است که در زمان عمل، فرد، بدون تأمل، به انجام آن می‌پردازد؛ و منظور از ویژگی‌های اخلاقی مدیران، ویژگی‌هایی ثابت در شخص مدیر است که آثار آن به وضوح در تصمیمات و رفتارهای مدیریتی او مشهود بوده و بر اساس آن سازمان یا جماعتی را اداره می‌کند. که البته تعدادی از این ویژگی‌های اخلاقی مربوط به حوزه فردی و شخصی است و برخی از این ویژگی‌ها مربوط به حوزه روابط جمعی او می‌باشد. هرچند که این دو دسته ویژگی‌های اخلاقی (فردی و اجتماعی) بر روی هم اثر متقابل و مستقیم دارند و گاه تشخیص

این‌که این صفت فردی است یا جمعی بسیار دشوار می‌نماید. اما به هر ترتیب هر دو نوع این ویژگی‌ها در اداره یک مجموعه و رفتار سازمانی مدیر مؤثر هستند. لذا این خصوصیات در دو حوزه فردی و جمعی با رویکرد قرآنی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

از آن‌جا که قرآن به بحث اخلاق در مدیریت و رهبری جامعه اهمیت فراوانی قائل است، تعداد آیاتی که مربوط به این حوزه می‌شود، کم نیستند. این نوشتار در صدد تبیین اعجاز مدیریتی قرآن می‌باشد و به دنبال استقراء تام آیات نیست بلکه مهم‌ترین آیاتی که در این زمینه می‌باشد ابتدا در جدول آورده شده تا بتوان به راحتی به آمار آیاتی که در این حوزه مورد استناد قرار گرفته است، دست یافت و سپس به بررسی و تفصیل آن‌ها پرداخته شده است.

جدول ۱- تعیین کمیت آیات استنادی در بیان ویژگی‌های اخلاقی مدیران

ردیف	سوره	آیات استنادی
۱	صداقت و راستگویی	(بقره/ ۴۲؛ توبه/ ۱۱۹؛ یوسف/ ۴۶؛ مریم/ ۵۶ و ۴۱؛ احزاب/ ۷۰؛ احقاف/ ۹)
۲	هم‌رنگی با مردم	(بقره/ ۱۲۹؛ کهف/ ۱۱۰؛ مؤمنون/ ۳۲؛ فرقان/ ۷۰)
۳	قاطعیت	(بقره/ ۱۴۷؛ آل عمران/ ۱۵۹؛ یوسف/ ۶۰؛ یونس/ ۹۴؛ حجر/ ۶۵؛ سبأ/ ۱۲؛ صافات/ ۱۷۴؛ انفطار/ ۱۲-۱۱؛ نمل/ ۲۱)
۴	صبوری و استقامت	(آل عمران/ ۱۸۶؛ لقمان/ ۱۷؛ نحل/ ۱۲۶؛ یونس/ ۱۰۹؛ حجر/ ۹۸-۹۷؛ انعام/ ۳۳-۳۲؛ سجده/ ۲۴؛ معارج/ ۵)
۵	مهربانی و عطوفت	(آل عمران/ ۱۵۹؛ توبه/ ۱۲۸؛ کهف/ ۶؛ قلم/ ۴)
۶	مشورت و هم‌فکری	(آل عمران/ ۱۵۹؛ شوری/ ۳۸؛ نمل/ ۳۳-۳۲)
۷	عفو و گذشت	(آل عمران/ ۱۳۴؛ مائده/ ۱۳؛ نجم/ ۳۲؛ اعراف/ ۱۹۹؛ نور/ ۲۲؛ تغابن/ ۱۴)
۸	هم‌نشینی نکردن با دورویان	(نساء/ ۸۱)
۹	عدالت‌محوری و دوری از تبعیض	(نساء/ ۱۲۹-۱۳۵؛ یوسف/ ۶۰؛ شعرا/ ۱۷۲ و ۱۷۱؛ فرقان/ ۶۸؛ حج/ ۱۰)
۱۰	خوش‌رویی و حسن‌ معاشرت	(نساء/ ۳۶؛ توبه/ ۱۲۸؛ لقمان/ ۱۸؛ طه/ ۴۴؛ قلم/ ۴)
۱۱	وفای به عهد	(مائده/ ۸۲-۸۱؛ نحل/ ۹۲-۹۱؛ اسراء/ ۳۴؛ صف/ ۳-۲)
۱۲	تکریم ارباب رجوع	(انعام/ ۵۴)
۱۳	پرهیز از تکبر و برتری‌جویی	(اعراف/ ۱۳؛ یونس/ ۸۳؛ قصص/ ۸۳؛ فرقان/ ۶۳؛ حجر/ ۸۸)
۱۴	امانت‌داری	(اعراف/ ۶۸؛ شعراء/ ۱۰؛ یوسف/ ۵۵-۵۴)
۱۵	دل‌سوزی و خیرخواهی	(اعراف/ ۶۸-۶۲؛ محمد/ ۱۹؛ توبه/ ۱۲۸)
۱۶	شنیدن سخنان و انتقادهای دیگران	(اعراف/ ۱۲۹؛ یس/ ۱۸)
۱۷	آرامش	(توبه/ ۲۶؛ شعراء/ ۶۲)
۱۸	صلابت	(توبه/ ۵۸)

ردیف	سوره	آیات استنادی
۱۹	تغافل	(توبه/۶۱؛ یوسف/۱۸)
۲۰	سعه صدر	(یوسف/۹۲؛ طه/۳۱-۲۵؛ انشراح/۱؛ احزاب/۶۰؛ تحریم/۳؛ احقاف/۳۵؛ مزمل/۱۰؛ طارق/۱۷)
۲۱	رعایت ادب گفتاری	(اسراء/۵۳)
۲۲	اقتدار	(اسراء/۵؛ کهف/۸۴؛ فتح/۲۹)
۲۳	درست کاری	(اسراء/۳۵؛ کهف/۱)
۲۴	مسئولیت پذیری	(کهف/۷؛ زمر/۷)
۲۵	زهد و مناعت طبع	(کهف/۹۶-۹۵-۸۳؛ حدید/۲۳)
۲۶	تواضع و فروتنی با زیردستان	(حجر/۸۸؛ فرقان/۶۳؛ شعراء/۲۱۵؛ لقمان/۱۸)
۲۷	رفق و مدارا	(فرقان/۷۲-۶۳)
۲۸	شجاعت و حمیت	(نمل/۱۰؛ احزاب/۳۹؛ تحریم/۹)
۲۹	نظم	(نمل/۱۷)
۳۰	نصیحت پذیری	(ص/۲۲)
	جمع سوره‌ها	جمع آیات
	۴۳	۱۰۴

پس از مشاهده اجمالی مجموعه صفات اخلاق فردی و اجتماعی در جدول بالا لازم است به توصیف و تحلیل صفات فردی و اجتماعی مدیران در آیات الهی پرداخته شود.

۱- اخلاق فردی مدیران در قرآن

منظور از اخلاق فردی مدیران، صفاتی هستند که بیانگر ویژگی‌های فردی شخص مدیر می‌باشد؛ فارغ از این که در جامعه حضور داشته باشد یا نداشته باشد؛ به این معنا که این صفات ویژگی‌هایی از شخصیت افراد هستند که او را مستعد برای مدیریت جامعه می‌نماید و در آیات قرآن به آن‌ها اشاره شده است.

جدول ۲- طبقه‌بندی آیات به تفکیک موضوعات فرعی (اخلاق فردی مدیران)

ردیف	سوره	آیات استنادی
۱	صداقت و راستگویی	(بقره/۴۲؛ توبه/۱۱۹؛ یوسف/۴۶؛ مریم/۵۶-۴۱؛ احزاب/۷۰؛ احقاف/۹)
۲	صبوری و استقامت	(آل عمران/۱۸۶؛ انعام/۳۳-۳۲؛ یونس/۱۰۹؛ حجر/۹۸-۹۷؛ نحل/۱۲۶؛ لقمان/۱۷؛ سجده/۲۴؛ معارج/۵)
۳	قاطعیت	(بقره/۱۴۷؛ آل عمران/۱۵۹؛ یونس/۹۴؛ یوسف/۶۰؛ حجر/۶۵؛ سبأ/۱۲؛ صافات/۱۷۴؛ انفطار/۱۲-۱۱؛ نمل/۲۱)

ردیف	سوره	آیات استنادی
۴	مهربانی و عطف	(آل عمران / ۱۵۹؛ توبه/۱۲۸؛ کهف/۶؛ قلم/۴)
۵	وفای به عهد	(مائده/۸۲-۱؛ نحل/۹۲-۹۱؛ اسراء/۳۴؛ صف/۳-۲)
۶	پرهیز از تکبر و برتری جویی	(اعراف/۱۳؛ یونس/۸۳؛ حجر/۸۸؛ فرقان/۶۳؛ قصص/۸۳)
۷	دل‌سوزی و خیرخواهی	(اعراف/۶۸-۶۲؛ توبه/۱۲۸؛ محمد/۱۹)
۸	آرامش	(توبه/۲۶؛ شعراء/۶۲)
۹	صلابت	(توبه / ۵۸)
۱۰	سعه صدر	(یوسف/۹۲؛ طه/۳۱-۲۵؛ احزاب/۶۰؛ احقاف/۳۵؛ تحریم/۳؛ مزمل/۱۰؛ طارق/۱۷؛ انشراح/۱)
۱۱	اقتدار	(اسراء/۵؛ کهف/۸۴؛ فتح/۲۹)
۱۲	درست‌کاری	(اسراء/۳۵؛ کهف/۱؛ حجر/۸۸)
۱۳	مسئولیت‌پذیری	(کهف/۷؛ زمر/۷)
۱۴	زهد و مناعت‌طبع	(کهف/۹۶-۹۵-۸۳؛ حدید/۲۳)
۱۵	شجاعت و حمیت	(نمل/۱۰؛ احزاب/۳۹؛ تحریم/۹)
۱۶	نظم	(نمل/۱۷)
۱۷	نصیحت‌پذیری	(ص/۲۲)
	جمع سوره‌ها	جمع آیات
	۳۵	۶۷

۱-۱. صداقت و راستگویی

صداقت و راستگویی، بارزترین مشخصه پیامبران الهی در دعوت مردم به سوی خدا و از اعمال نیک و پسندیده انسانی بوده و نزد دین و خرد از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. ﴿مَا أَدْرِي مَا يَفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ...﴾ (احقاف/۹) این آیه از زبان حضرت رسول ﷺ می‌فرماید: من نمی‌دانم که با من و شما چه خواهد شد؟ نظیر آیه (بقره/ ۴۲؛ توبه/ ۱۱۹؛ یوسف/ ۴۶؛ مریم/ ۵۶-۴۱؛ احزاب/ ۷۰).

آیه ۹ سوره احقاف، اشاره به این نکته دارد که علی‌رغم این‌که پیامبر ﷺ دارای علم غیب بوده و از این طریق می‌تواند ادعای دانایی بر همه امور را بنماید و در جلب منافع و دفع ضررها از آن استفاده نماید اما باتمام این اوصاف آن‌جا که اذنی نداشته باشد این ادعا را نداشته و به راحتی و با نهایت صداقت به قوم خود اعلام می‌دارند که من نمی‌دانم... (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۸/ ۲۹۱) لذا یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مدیران در نظام اسلامی، صداقت است و یک مدیر شایسته، با صداقت آن‌چه را که در حد دانش و توانش نباشد اعلان می‌نماید.

۲-۱. صبوری و استقامت

«صبر» در لغت به معنای خویشن‌داری از جزع هنگام رخدادهای ناگوار است، با صبر، درون انسان از اضطراب و زبان انسان از شکایت و اعضاء و جوارح انسان از حرکات غیرعادی حفظ می‌گردند. خداوند به پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: ﴿وَ اتَّبِعْ مَا يُوْحَىٰ إِلَيْكَ وَ اصْبِرْ...﴾ (یونس/ ۱۰۹)؛ «ای پیامبر! از آن‌چه بر تو وحی می‌شود پیروی کن و شکیبیا باش (و استقامت نما)». نظیر آیه (آل عمران/ ۱۸۶؛ انعام/ ۳۲-۳۳؛ حجر/ ۹۷-۹۸؛ نحل/ ۱۲۶؛ لقمان/ ۱۷؛ سجده/ ۲۴؛ معارج/ ۵).

این آیه دستوری است به رسول خدا ﷺ به این که صرفاً تابع آن فرامینی باشد که به او وحی می‌شود، و در برابر هر مصیبت و رنجی که در راه این تبعیت خواهد دید، صبر کند (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۱۰/ ۱۹۸). یکی از صفات مدیران و رهبران، صبر و استقامت است زیرا که صبر، انسان را به موفقیت می‌رساند. کسی که مسئولیت رهبری یک جامعه را بر عهده می‌گیرد، باید صبور باشد و شخصیتی محکم و قابل اعتماد داشته باشد تا بتواند در مصائب و دشواری‌ها، پایداری ورزد و سختی‌های روزگار را سپری کند (پورعزت، مدیریت ما مدیریت اسلامی در پرتو نهج البلاغه امام علی علیه السلام، ۱۳۹۳: ۱/ ۱۴۰).

۳-۱. قاطعیت

داشتن «قاطعیت» بدین معناست که شخص خواسته خود را به روشنی مشخص و با یقین به درستی آن بیان کند. خداوند پس از نزول آیه قبله به پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: ﴿الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ﴾ (بقره/ ۱۴۷) این (فرمان تغییر قبله) حکم حقی از طرف پروردگار توست، بنابراین، هرگز از تردیدکنندگان در آن مباش (و مبادا عناد و لجاجت کسانی که نبوت تو را کتمان می‌کنند، تو را به شک و تردید وادار کند). نظیر آیه (آل عمران/ ۱۵۹؛ یونس/ ۹۴؛ یوسف/ ۶۰؛ حجر/ ۶۵؛ نمل/ ۲۱؛ سبأ/ ۱۲؛ صافات/ ۱۷۴؛ انفطار/ ۱۱-۱۲).

رهبر باید از قاطعیت و یقین برخوردار باشد تا خواسته خود را بدون از بین بردن حقوق دیگران به روشنی بیان و مطالبه کند؛ به خصوص وقتی که قانونی را تغییر داده و سنت غلطی را می‌شکند (قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۸: ۶/ ۴۰۶).

۱-۴. مهربانی و عطوفت

مهربانی به مجموعه اعمال و رفتاری گفته می‌شود که حاکی از ایشار، مدارا، قدرشناسی و احترام به دیگران است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فِيمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ (آل عمران/ ۱۵۹)؛ «به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگ‌دل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند، نظیر آیه» (توبه/ ۱۲۸؛ کهف/ ۶).

نرم‌خویی و مهربانی حضرت یکی از رحمت‌های الهی برای امت بر شمرده شده است و در سوره قلم، پیامبر اسلام ﷺ را دارنده «خُلُقِ عَظِيمٍ» معرفی نموده و می‌فرماید: ﴿وَ اِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ (قلم/ ۴)؛ «و به راستی که تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری! و این تأکیدها نشان دهنده آن است که رهبری و مدیریت صحیح باید با عفو و عطوفت و مهربانی همراه باشد».

۱-۵. وفای به عهد

خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اؤْفُوا بِالْعُقُودِ﴾ (مائده/ ۱)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمان‌ها (و قراردادهای) وفا کنید». نظیر آیه (مائده/ ۸۲؛ نحل/ ۹۲-۹۱؛ اسراء/ ۳۴؛ صف/ ۲۳).

وفای به عهد جزء فضائل اخلاقی بسیار مهم انسانی است که به واسطه آن روابط بین افراد مستحکم شده و اعتمادسازی متقابل ایجاد می‌کند تا بتوانند در سایه آن به رشد و تعالی برسند. لذا همان گونه که در آیه بالا نیز به صراحت به آن امر شده است، این صفت اخلاقی برای یک شخص که رهبری یا مدیریت مجموعه‌ای را برعهده دارد، امری ضروری است تا زیردستان و مخاطبان او بتوانند به پشتوانه این خصلت مهم به کلام او اعتماد یافته و از او امر او اطاعت کنند.

۱-۶. پرهیز از تکبر و برتری جویی

خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ (قصص/ ۸۳)؛ «[آری،] این سرای آخرت را (تنها) برای کسانی قرار می‌دهیم که اراده برتری جویی در زمین و فساد ندارند؛ و عاقبت نیک برای پرهیزگاران است!» نظیر آیه (اعراف/ ۱۳؛ یونس/ ۸۳؛ حجر/ ۸۸؛ فرقان/ ۶۳).

تکبر به معنای تعظم (خودبزرگ‌پنداشتن) و حالتی نفسانی از نتایج عجب و غرور در درون فرد است که در اثر آن شخص متکبر، دیگران را در برابر خود، حقیر و خوار می‌شمارد؛ به گونه‌ای که در گفتار و رفتار او نمود پیدا می‌کند (نراقی، جامع السعادات، ۱۳۱۲: ۱/۳۸۰).

تکبر، چه برای افراد عادی و چه برای پست‌های مهم و مدیران ارشد، آفت و آسیب و باعث خواری و شکست می‌شود. عجب و تکبر در رفتار و خصال رهبران مسلمان جایگاهی ندارد؛ که آنان حتی پس از سرکوبی نفس و پیروزی در میدان جهاد اکبر نیز سرمست نمی‌شوند و نگران و بدبین به نفس خود، به پروردگار خویش متوسل شده، فقط به او اعتماد می‌کنند. این حد از توکل و تواضع و فروتنی، به کلیه روابط اجتماعی و سازمانی آنان با زیردستان و همکاران نیز سرایت می‌کند و فرهنگ تواضع و فروتنی را توسعه می‌دهد. مدیری که خود را بنده عاجز پروردگار خویش می‌داند، نمی‌تواند در برابر سایر بندگان او، تکبر پیشه نماید. پذیرش این منطق، تکبر و غرور را از فرهنگ سازمانی حذف می‌نماید و سازمانی سالم و متواضع ایجاد می‌کند (پورعزت، مدیریت ما مدیریت اسلامی در پرتو نهج‌البلاغه امام علی علیه السلام، ۱۳۹۳: ۱/۱۳۰).

۷-۱. دلسوزی و خیرخواهی

﴿وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ﴾ (محمد/۱۹)؛ «[ای پیامبر] برای گناه خود و مردان و زنان با ایمان استغفارکن!» نظیر آیه (اعراف/ ۶۸-۶۲؛ توبه/ ۱۲۸).

خداوند به پیامبر دستور می‌دهد که برای مؤمنین و مؤمنات از امتش طلب مغفرت کند. و حاشا بر خدای تعالی که دستور استغفار بدهد و آن استغفار را با مغفرت مواجه نسازد، دستور دعا بدهد و اجابت نکند (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۱۸/۳۵۹). طبق آیه شریفه دل‌سوز و خیرخواه بودن نسبت به افراد تحت امر، یکی دیگر از ویژگی‌های مدیران در نظام اسلامی است و یک مدیر نه تنها نسبت به امور مادی، بلکه حتی نسبت به احوالات معنوی زیردستانش نیز نباید بی‌تفاوت بوده و فقط به فکر خود باشد (قرائتی، سیصد نکته در مدیریت اسلامی، ۱۳۹۱: ۹۲).

۸-۱. آرامش

﴿ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ...﴾ (توبه/ ۲۶)؛ «سپس خداوند «سکینه» خود را بر پیامبرش و بر مؤمنان فرو فرستاد». نظیر آیه (شعراء/ ۶۲).

آرامش به معنای طمأنینه و راحتی فکر در زندگی، حقیقت مطلوبی است که اسلام آن را ستوده است و در مقابل آن تشویش، نگرانی و اضطراب است. پریشانی و اضطراب، مانع از تفکر و تعقل و خلاقیت می‌شود. لذا از اسباب مورد نیاز مدیریت، داشتن آرامش است و قطعاً این آرامش درونی زمانی برای او حاصل می‌شود که به منبع آرامش که وجود لایتناهی خداوند باری تعالی است، متصل باشد و در شرایط سخت با حسن ظن تمام، از او استمداد نماید تا خداوند هم قلب او را آکنده از طمأنینه و آرامش نماید. چنان‌که زمانی که پیامبر ﷺ نگران فرار مسلمین از جبهه و مسلمانان نگران شکست بودند، خداوند هر دو نگرانی را با لطف خود و فرستادن آرامش بر دل‌های ایشان برطرف کرد (همان، ۴۹).

۹-۱. صلابت

﴿وَمِنْهُمْ مَّن يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ...﴾ (توبه/ ۵۸)؛ «و در میان آن‌ها کسانی هستند که در (تقسیم) غنایم به تو خرده می‌گیرند».

طبق آیات قرآن مدیران نظام اسلامی، در انجام وظایف خود نباید تحت تأثیر عیب‌جویی‌های منافقان و معاندان قرار گیرند، بلکه اگر روش درستی را در پیش گرفته‌اند باید از هیچ چیز واهمه نداشته باشند (همان، ۵۱). چون این گروه‌ها هرگز راضی به حق خود نیستند، و دائماً انتظار دارند از اموال بیت‌المال و منافع عمومی هر چه بیشتر بهره ببرند، خواه مستحق باشند یا نه و اگر چیزی به آن‌ها داده نشود خشمگین می‌شوند و مدیران را متهم به بی‌عدالتی می‌کنند.

۱۰-۱. سعه صدر

﴿الْمَنْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ﴾ (انشراح/ ۱)؛ «خداوند در مقام امتنان به حضرت رسول می‌فرماید: آیا ما سینه تو را گشاده نساختم؟» نظیر آیه (یوسف/ ۹۲؛ احزاب/ ۶۰؛ تحریم/ ۳؛ احقاف/ ۳۵؛ مزمل/ ۱۰؛ طارق/ ۱۷؛ طه/ ۳۱-۲۵).

سعه صدر، در قرآن با لفظ «شرح صدر» آمده است. شرح و سعه به معنای وسیع شدن و گشاده شدن است (قرشی، قاموس قرآن، ۱۳۸۷: ۱۳/۴). و آراستگی به سعه صدر، صبر و تحمل در برابر نامالایمات و انتقادات، شرط پذیرش مسؤولیت‌های مدیریتی است (قرائتی، سیصد نکته در مدیریت اسلامی، ۱۳۹۱: ۱۰۷). در یکی از کلمات قصار معروف امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می‌خوانیم: «آلَةُ الرَّيَاسَةِ سَعَةُ الصَّدْرِ»؛ «ابزار ریاست و مدیریت سعه صدر و گشادگی روح و فکر و تحمل فراوان است» (ر.ک: ترجمه دشتی، نهج البلاغه، ۱۳۸۰: حکمت ۱۷۶).

۱-۱۱. اقتدار

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾ (فتح/ ۲۹)؛ «محمد ﷺ فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربانند» نظیر آیه (اسراء/ ۵؛ کهف/ ۸۴).

اقتدار به معنای توانمندشدن، توانایی و قدرت است لکن قدرتی است دارای نوعی مشروعیت باشد. برحسب این تعریف، مفهوم «اقتدار» یا آمریت با «مشروعیت» عجین و هم‌نشین می‌گردد، که تمامی اعتبار و هویت خود را از آن می‌گیرد. (شجاعی‌زند، حکومت اسلامی، ۱۳۷۶: ۲۰۸/۵). اقتدار با نوعی ارج و شکوه و دقیق‌تر با یک اعتماد و اتکال شخصی یا جمعی به کسی که اقتدار به او نسبت داده شده، همراه است و عرصه‌های مختلفی مثل فرهنگی، علمی، اقتصادی، سیاسی و... برای آن می‌توان در نظر گرفت. لذا طبق آیه شریفه مدیران سازمان باید اقتدار لازم برای اداره سازمان و مجموعه تحت امر خود و از جمله کنار گذاردن کسانی که علیه اهداف سازمان فساد و فتنه می‌کنند، داشته باشند تا در موقع لزوم با اعمال قدرت، سازمان را از خطر آشوب‌گران نجات دهند. و این‌که در این آیه «شدت» و «رحمت» که دو صفت متضاد است در کنار هم از صفات پیامبر و مؤمنین شمرده شده است نمایش‌گر اقتدار یک رهبر و همراهان او می‌باشد (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۴۴۶/۱۸).

۱-۱۲. درست‌کاری

﴿وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كُنْتُمْ وَزْنًا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ (اسراء/ ۳۵)؛ «و هنگامی که پیمان‌ه می‌کنید، حق پیمان‌ه را ادا نمایید، و با ترازوی درست وزن کنید! این برای شما بهتر، و عاقبتش نیکوتر است» نظیر آیه (کهف/ ۱؛ حجر/ ۸۸).

(قسطاس) یعنی ترازو و میزان (قسطاس مستقیم) یعنی ترازوی دقیق و عادل که هرگز در وزن خیانت نمی‌کند و (خیر) آن چیزی است که زمانی امر دائرمدار بین آن چیز و یک چیز دیگر باشد، آدمی آن را برمی‌گزیند، و این‌که فرمود: تمام دادن پیمان‌ه و وزن کردن با ترازوی دقیق برایتان بهتر است، به جهت آن است که اولاً کم‌فروشی یک نوع دزدی ناجوانمردانه است و ثانیاً توزین دقیق، اعتماد و اطمینان را بهتر جلب می‌نماید (طباطبایی، المیزان فی

تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۱۳/ ۱۲۵). مدیران سازمان‌هایی که با معاملات تجاری رابطه دارند، باید درست‌کاری و وقت‌شناسی و دقت در عقد قراردادهای را یک ارزش و فرهنگ قلمداد کرده و به آن پای‌بند باشند تا بتوانند در بلندمدت در جذب مشتریان و تجارت، موفقیت بیشتری را کسب نمایند.

۱-۱۳. مسؤلیت‌پذیری

﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾ (زمر/ ۷)؛ «و هیچ‌گونه کاری گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد [و هرکس به خاطر گناه خودش مؤاخذه می‌شود]» نظیر آیه (کهف/ ۷).

از منظر اسلام خداوند متعال در برابر هر نعمتی، مسؤلیتی را بر عهده انسان قرار داده و به میزان مسؤلیت نیز از انسان بازخواست خواهد نمود. هر کس مسؤول کار خویش است و نمی‌توان در صورت بروز مشکلی در مجموعه دیگران را مقصر دانست بلکه یک مدیر باید بداند مسؤولیتی که برگردن او گذارده شده نعمت است و هر کسی به اندازه مسؤولیتی که دارد در قبال مسائل پیش‌رو و عملکرد خود باید پاسخگو باشد.

۱-۱۴. زهد و مناعت طبع

﴿لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾ (حدید/ ۲۳)؛ «این به خاطر آن است که برای آن چه از دست داده‌اید تأسف نخورید، و به آن چه به شما داده است دل‌بسته و شادمان نباشید» نظیر آیه (کهف/ ۹۵، ۹۶ و ۸۳).

مدیر و رهبری که از مناعت طبع برخوردار نباشد ممکن است به خاطر حرص به اموال دنیا حقوق مردم را از بین برده و در اجرای احکام و حدود الهی توقف نماید و امت یا سازمان را به هلاکت بیندازد.

امیرالمؤمنین می‌فرماید: اولیاء خدا آنانند که به درون دنیا نگریستند، آن‌گاه که مردم به ظاهر آن چشم دوختند؛ و سرگرم آینده دنیا (آخرت) شدند، آن‌گاه که مردم به امور زودگذر دنیا پرداختند (ر.ک: ترجمه دشتی، نهج البلاغه، ۱۳۸۰: حکمت ۴۳۲).

یک مدیر باید بخش مهمی از همت و وقت خود را صرف آسایش مالی زیردستانش نماید، ولی خود به اندکی قناعت ورزد. یعنی درحالی‌که رهبر مؤمن، خود اهل پرهیز از دنیاست، نیروهای تحت امر خود را تأمین می‌نماید و آن‌چه را به دست می‌آورد، به عدالت و صداقت، میان آنان تقسیم می‌کند (پورعزت، مدیریت ما مدیریت اسلامی در پرتو نهج البلاغه امام علی (علیه السلام)، ۱۳۹۳: ۱/ ۱۳۶).

۱۵-۱. شجاعت و حمیت

﴿يَا مُوسَى لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَى الْمُرْسَلُونَ﴾ (نمل / ۱۰) «ای موسی، ترس که فرستادگان

نزد من نمی ترسند» نظیر آیه (احزاب / ۳۹؛ تحریم / ۹).

امام و رهبر باید شجاع و صبور باشد و در دشواری‌ها با تکیه و توکل به حضرت حق، مقاومت نماید. واضح است که شجاعت رهبر به پیروان واقعی او نیز سرایت می‌یابد. تاریخ از امام علی (علیه السلام) به منزله مظهر شجاعت و غیرت و حمیت یاد می‌کند (همان، ۱۳۱). در این باره، در نهج البلاغه از قول ایشان چنین روایت شده است: هنوز بیست سال نداشتیم که در میدان نبرد حاضر بودم و هم اکنون از شصت سال گذشته‌ام (ر.ک. ترجمه دشتی، نهج البلاغه، ۱۳۸۰: خطبه ۲۷).

۱۶-۱. نظم

﴿وَ حِشْرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودَهُ مِنَ الْجِنَّ وَالْأَنْبِسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يَوْمَئِذٍ﴾ (نمل / ۱۷)؛ «لشکریان

سلیمان، از جن و انس و پرندگان، نزد او جمع شدند؛ آن قدر زیاد بودند که باید توقف می‌کردند تا به هم ملحق شوند».

اصل نظم و انضباط در مدیریت سازمان باید توسط مدیر رعایت شود. قدرت مدیریت سلیمان و شدت انضباط او در امور اجرایی و اداره کشور به قدری بود که وقتی او جان داد در حالی که تکیه به عصا کرده بود - و به همین دلیل جسد او سرپا ایستاده بود - کارگزاران او با دقت و ظایف خود را انجام می‌دادند تا این که موربانه عصای او را خورد و بر زمین افتاد (مکارم شیرازی، پیام قرآن، ۱۳۸۶: ۱۰ / ۱۰۲).

۱۷-۱. نصیحت‌پذیری

﴿... فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَ اهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ﴾ (ص / ۲۲)؛ «دو نفر که برای

دادخواهی نزد حضرت داوود آمده بودند، او را چنین اندرز دادند که: در میان ما به حق داوری کن و ستم روا مدار و ما را به راه راست هدایت کن».

این آیه گویای این امر است که مدیران باید نصیحت‌پذیر و حق‌شنو باشند و از این که مردم و ارباب رجوع به آن‌ها تذکری دهند ناراحت نشوند (هم‌چنان که حضرت داوود هم تذکر طرفین دعوا را شنید و نگفت من خودم قاضی هستم و می‌دانم چه باید بکنم).

هفده ویژگی مهم از اخلاق مدیران که باید صفت و ملکه شخصی آن‌ها باشد از طریق قرآن کریم استخراج شد که هر کدام از این ویژگی‌ها می‌تواند یک اصل در موفقیت مدیر محسوب شود و اختلال و نبود هر کدام مدیریت را دچار بحران نماید که قرآن کریم با شناختی جامع از فرد و جامعه به این صفات اشاره نموده است و انبیاء الهی هر کدام الگوی عینی این صفات در زمینه مدیریت و رهبری مردم می‌باشند.

۲- اخلاق اجتماعی مدیران

منظور از اخلاق اجتماعی، صفاتی هستند که گویای ویژگی‌های رفتاری فرد در میان مردم و افراد جامعه هستند، که این صفات تا زمانی که فرد در میان اجتماع حضور نداشته و ارتباطی با دیگران نداشته باشد عرصه‌ای برای ظهور این صفات او فراهم نمی‌شود و در واقع رویارویی با شرایط مختلف اجتماعی است که باعث نمایان شدن چنین صفاتی در فرد می‌شود.

جدول ۳- طبقه‌بندی آیات به تفکیک موضوعات فرعی (اخلاق اجتماعی مدیران)

ردیف	سوره	آیات استنادی
۱	هم‌رنگی با مردم	(بقره/۱۲۹؛ کهف/۱۱۰؛ مؤمنون/۳۲؛ فرقان/۷۰)
۲	عفو و گذشت	(آل عمران/۱۳۴؛ مانده/۱۳؛ اعراف/۱۹۹؛ نور/۲۲؛ نجم/۳۲؛ تغابن/۱۴)
۳	مشورت و هم‌فکری	(آل عمران/۱۵۹؛ نمل/۳۳-۳۲؛ شوری/۳۸)
۴	خوش‌رویی و حسن‌ معاشرت	(نساء/۳۶؛ توبه/۱۲۸؛ طه/۴۴؛ لقمان/۱۸؛ قلم/۴)
۵	هم‌نشینی نکردن با دو رویان	(نساء/۸۱؛ نساء/۱۴۰؛ مجادله/۱۴)
۶	عدالت‌محوری دوری از تبعیض	(نساء/۱۳۵-۱۲۹؛ اعراف/۲۹؛ یوسف/۶۰؛ حج/۱۰؛ فرقان/۶۸؛ شعرا/۱۷۲ و ۱۷۱)
۷	تکریم ارباب رجوع	(انعام/۵۴)
۸	امانت‌داری	(اعراف/۶۸؛ شعراء/۱۰؛ یوسف/۵۵-۵۴)
۹	شنیدن سخنان و انتقادهای دیگران	(اعراف/۱۲۹؛ یس/۱۸)
۱۰	تغافل	(توبه/۶۱؛ یوسف/۱۸)
۱۱	تواضع و فروتنی با زیردستان	(حجر/۸۸؛ فرقان/۶۳؛ شعراء/۲۱۵؛ لقمان/۱۸)
۱۲	رعایت ادب گفتاری	(اسراء/۵۳)
۱۳	رفق و مدارا	(فرقان/۷۲-۶۳)
	جمع سوره	جمع آیات
	۲۴	۳۹

۱-۲. هم‌رنگی با مردم

خداوند در آیات متعدد فرموده است: ﴿فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ...﴾ (مؤمنون/ ۳۲) «و در میان آنان رسولی از خودشان فرستادیم...» نظیر آیه (بقره/ ۱۲۹؛ کهف/ ۱۱۰؛ مؤمنون/ ۳۲؛ فرقان/ ۷۰).

کلمه «منهم» که در آیات فوق آمده اشاره به این است که رهبران انسان باید از نوع خود او باشند، با همان صفات و غرائز بشری، تا بتوانند از نظر جنبه‌های عملی، سرمشق‌های شایسته‌ای باشند، بدیهی است اگر این گونه نباشد، نه آن‌ها می‌توانند دردها، نیازها، مشکلات و گرفتاری‌های مختلف انسان‌ها را درک کنند و نه انسان‌ها می‌توانند از آن‌ها سرمشق بگیرند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۱/ ۴۵۸).

در اینجا باید به این نکته توجه کرد که در این بخش از کتاب، ما به بررسی و تحلیل این آیات پرداخته‌ایم.

این که یک مدیر خود را از مردم و مجموعه تحت امر خود جدا ندانسته و جزیی از آن‌ها بداند بسیار اهمیت داشته و قطعاً بر نحوه مدیریت او مؤثر خواهد بود. مدیری که خود را هم‌رنگ مردم بداند مشکلات آن‌ها را مشکلات خود و دغدغه‌های آن‌ها را دغدغه خود می‌داند و در این صورت تلاش بیشتری برای رفع مسائل و دغدغه‌های افراد جامعه یا سازمان خود می‌نماید. خداوند متعال هر پیامبری را که برای هدایت و رهبری مردم فرستاده از میان همان قوم بوده و فردی جدای از آن‌ها نبوده و حتی از کلمه «منهم» می‌توان این مطلب را نیز برداشت نمود که این انتخاب از بین طبقه مرفه جوامع بشری نیز نبوده است زیرا «هم» اشاره به عموم مردم و اکثریت آن‌ها دارد نه به طبقه‌ای خاص که همیشه اقلیتی از جامعه را تشکیل می‌دهد.

۲-۲. عفو و گذشت

عفو به معنای گذشت از گناه و خطا، تسامح و مدارا نسبت به دیگری، یکی از مصادیق فضیلت اخلاقی احسان است. خداوند دستور به عفو و گذشت می‌فرماید: ﴿وَ الْكُفْرَيْنَ الْقَيْظَ وَ الْغَافِينَ عَنِ النَّاسِ...﴾ (آل عمران/ ۱۳۴)؛ «همان‌ها که خشم خود را فرومی‌برند و از خطای مردم درمی‌گذرند...» نظیر آیه (بقره/ ۱۰۹؛ مائده/ ۱۳؛ نجم/ ۳۲؛ اعراف/ ۱۹۹؛ نور/ ۲۲؛ تغابن/ ۱۴). در آموزه‌های اسلام بسیار بر عفو تأکید شده است و این صفت برای مدیران شایسته‌تر و بایسته‌می‌باشد. از خصوصیات نیکو و کارگشای مدیران موفق و شایسته، عفو و گذشت از خطاهای قابل اغماض زیردستان است و این به جهت آن است که شخصیت انسانی افراد،

گرامی داشته شده و فرصت بازیابی و جبران خطای خود را داشته باشند زیرا که گذشت از لغزش‌ها تأثیر بسیار مثبتی بر فعالیت‌های آینده کارکنان دارد (قرائتی، سیصد نکته در مدیریت اسلامی، ۱۳۹۱: ۹۷).

۳-۲. مشورت و هم‌فکری

خداوند خطاب به پیامبر اکرم می‌فرماید: ﴿... وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ...﴾ (آل عمران/ ۱۵۹)؛ «و در کار [ها] با آنان [یارانت] مشورت کن» نظیر آیه (شوری/ ۳۸؛ نمل/ ۳۳ و ۳۲).

در مشورت کردن محاسنی هم‌چون تفقد از نیروها و دخیل کردن آن‌ها در تصمیم‌سازی، شکوفایی استعدادها، گزینش بهتر رأی، ایجاد انگیزه و علاقه برای تصمیم‌نهایی، نهفته است. ضمن این‌که مشورت تصمیم‌ساز است و منافاتی با تصمیم‌گیری قاطع ندارد (همان، ۳۵).

۴-۲. خوش‌رویی و حسن معاشرت ﴿وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ...﴾ (لقمان/ ۱۸)؛ «لقمان در سفارش به پسرش می‌گوید: [با بی‌اعتنایی و تکبر] از مردم روی مگردان» نظیر آیه (طه/ ۴۴؛ توبه/ ۱۲۸؛ نساء/ ۳۶؛ قلم/ ۴).

خوش‌رویی به معنای گشاده‌رویی و داشتن چهره شاد و گفتار نرم و رفتار مهرآمیز با دیگران است. ترش‌رویی و بی‌اعتنایی، مایه از هم پاشیدن روابط صمیمانه اجتماعی است و انسان را در عالمی از توهم و خود برتری فرومی‌برد، و رابطه او را با دیگران قطع می‌کند (مکارم، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۱۷/ ۵۴). پیامبر اسلام نیز که هدف اصلی رسالت خویش را تکمیل مکارم اخلاقی بیان می‌نماید (نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۱۳۶۶: ۱۱/ ۱۸۷). خوش‌رویی و تبسم را در برابر هم‌دیگر به عنوان صدقه معرفی می‌کند (ترمذی، سنن ترمذی، ۱۳۹۵: ۴/ ۳۴۷). مدیران نسبت به تمامی اقشار مردم خصوصاً زیردستان و ارباب رجوع باید با مهربانی خوش‌رویی برخورد کنند.

۵-۲. هم‌نشینی نکردن با دورویانی

﴿وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ... فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ﴾ (نساء/ ۸۱)؛ «آن‌ها در حضور تو می‌گویند: فرمانبرداریم؛ اما هنگامی که از نزد تو بیرون می‌روند، جمعی از آنان بر خلاف گفته‌های تو، جلسات سرّی شبانه تشکیل می‌دهند؛ آن‌چه را در این جلسات می‌گویند، خداوند می‌نویسد. اعتنایی به آن‌ها نکن» نظیر آیه (نساء/ ۱۴۰ و مجادله/ ۱۴).

مناقشان به هنگام روز در محضر پیامبر می آمدند و می گفتند که: هر چه شما بگویید درست است! و هنگامی که از نزد پیامبر می رفتند برخلاف گفته های او عمل می کردند لذا در این آیه خداوند می فرماید: از ایشان اعراض کن. به پیغمبرش دستور می دهد که از آنها روی بگرداند و از نقشه های آنها وحشت نکند و هیچ گاه آنها را تکیه گاه در برنامه های خود قرار ندهد، تنها برخدا تکیه کند خدایی که بهترین یار و مددکار و مدافع است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۲۷/۴).

۶-۲. عدالت محوری و دوری از تبعیض

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ﴾ (نساء/ ۱۳۵) «ای کسانی که ایمان آورده اید! کاملاً قیام به عدالت کنید! برای خدا شهادت دهید، اگر چه (این گواهی) به زیان خود شما، یا پدر و مادر و نزدیکان شما بوده باشد» نظیر آیه (نساء/ ۱۲۹؛ اعراف/ ۲۹؛ یوسف/ ۶۰؛ شعرا/ ۱۷۲ و ۱۷۱؛ فرقان/ ۶۸؛ حج/ ۱۰).

طبق آیه شریفه، قرآن مجید، با صراحت همه مسلمانان را مخاطب قرار داده و دعوت به اقامه کامل عدل می کند و به این ترتیب هر نوع ملاحظه کاری را در زمینه اجرای اصول عدالت، حتی در مورد نزدیک ترین نزدیکان ممنوع می شمارد. پس قطعاً به تبع اولی از مهم ترین اوصافی که در هر فرمانده و مدیر نهایت لزوم را دارد، پیراستگی از هر گونه ظلم و بی عدالتی است (مکارم شیرازی، مدیریت و فرماندهی در اسلام، ۱۳۸۹: ۱۵۳).

مدیر نباید با رفتارهای تبعیض آمیز، بعضی نیروها را منزوی کند، بلکه باید نسبت به تمام نیروها توجه داشته باشد تا موجب افزایش انگیزش کارکنان را فراهم آورد. همه ارکان عزت و پایداری مدیریت به رعایت عدالت در رفتار با زیردستان خود و مردم بستگی دارد؛ و این عدالت ورزی باید با اقتدار و ثبات و وقار مدیران همراه باشد تا راه را بر سوء استفاده کنندگان بسته و موجب دلگرمی دوستان و زیردستان خود شود.

۷-۲. تکریم ارباب رجوع

﴿وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ...﴾ (انعام/ ۵۴)؛ «خداوند به پیامبر می فرماید: هرگاه کسانی که به آیات ما ایمان دارند نزد تو آیند، به آنها بگو: سلام بر شما». مدیران باید با برخوردی محبت آمیز، به کارکنان و مراجعان شخصیت دهند تا موجب افزایش انگیزش سازمانی و تکریم ارباب رجوع گردد (قرائتی، سیصد نکته در مدیریت اسلامی، ۱۳۹۱: ۴۲).

۸-۲. امانت‌داری

﴿فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ * قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ﴾ (یوسف / ۵۴-۵۵)؛ «پادشاه گفت: «او [یوسف] را نزد من آورید، تا وی را مخصوص خود گردانم!» هنگامی که (یوسف علیه السلام) نزد وی آمد و با او صحبت کرد، (پادشاه به عقل و درایت او پی برد؛ و) گفت: تو امروز نزد ما جایگاهی والا داری، و مورد اعتماد هستی (یوسف گفت: مرا سرپرست خزائن سرزمین (مصر) قرار ده، که نگه‌دارنده و آگاهم) نظیر آیه (اعراف / ۶۸؛ شعراء / ۱۰).

واژه «امین» به معنای امانت‌دار و فرد قابل اعتماد است و نه آیه از قرآن به این موضوع اشاره نموده که نشان از اهمیت موضوع دارد. در معیارهای اسلامی این شرط به ضمیمه قدرت، برای همه کارکنان و کارمندان قید شده است و مدیر و فرمانده به حکم این‌که از رده‌های بالای کارکنان و کارمندان است نه تنها نمی‌تواند از آن فرمان مستثنی باشد؛ بلکه باید این فضیلت اخلاقی را در حد اعلی دارا باشد.

باتوجه به گستردگی مفهوم امانت در منابع اسلامی، حفظ اموال یکی از مصادیق بارز «امانت‌داری» است اما «امانت‌داری» منحصر به امین بودن در حفظ اموال نیست؛ هر پست و مقامی نیز مصداقی از مفهوم وسیع «امانت» است. اسرار هر تشکیلات نیز امانت آن تشکیلات است که باید در حفظ آن کوشید (مکارم‌شیرازی، مدیریت و فرماندهی در اسلام، ۱۳۸۹: ۱۷/۱۳۷).

۹-۲. شنیدن سخنان و انتقادهای دیگران

﴿قَالُوا أُوذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَ مِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَ يَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ...﴾ (اعراف / ۱۲۹)؛ «قوم بنی اسرائیل به حضرت موسی گفتند: پیش از آن که به سوی ما بیایی آزار دیدیم، (هم‌اکنون) پس از آمدنت نیز آزار می‌بینیم! (کی این آزارها سرخواهد آمد؟) گفت: امید است پروردگارتان دشمن شما را هلاک کند، و شما را در زمین جانشین (آن‌ها) سازد» نظیر آیه (اعراف / ۱۲۹؛ یس / ۱۸).

مدیری موفق است که نسبت به انتقادات دیگران گوش شنوا داشته باشد هرچند که برایش ناگوارا باشد لکن علاوه بر کسب اعتماد دیگران زمینه هدایت او توسط کارکنان نیز فراهم می‌شود، و امید اصلاح امور را نیز در بین آنان افزایش می‌دهد.

۲-۱۰. تغافل

﴿وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ...﴾ (توبه/ ۶۱)؛ «از آن ها کسانی هستند که پیامبر را آزار می دهند و می گویند: او آدم خوش باوری است! بگو: خوش باور بودن او به نفع شماست. (ولی بدانید) او به خدا ایمان دارد؛ و (تنها) مؤمنان را تصدیق می کند؛ و رحمت است برای کسانی از شما که ایمان آورده اند» نظیر آیه (یوسف/ ۱۸).

یکی از نیازهای مدیریت و از اصول تربیت صحیح افراد، رعایت اصل تغافل است. تغافل یعنی مربی یا مسئول گاهی خود را برای هدفی مهم تر، به ندانستن و عدم توجه به خطای شخصی که اشتباهی از او سرزده است، بزند تا او بتواند خود را بازیابد و اشتباهش را جبران کند. در آیه فوق هم خداوند در پاسخ عیب جوینان می گوید: "چنان نیست که او گوش به همه سخنان فرا دهد، بلکه او گوش به سخنانی می دهد که به سود و نفع شما است (مکارم، تفسیرنمونه، ۱۳۷۱: ۱۶/۸). و معنایش این است که او بسیار شنوا است، ولی آن چه خیر شما در آن است می شنود، مثلاً وحی خدای سبحان را می شنود که مایه خیر شما است و از مؤمنین خیرخواهی های ایشان را می شنود که باز خیر شما در آن است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۹/۴۲۲).

بنابراین یک رهبر مهربان و دلسوز، و درعین حال پخته و دانا، باید همه چیز را بفهمد، ولی باید بسیاری از آن ها را به روی خود نیاورد، تا آن ها که شایسته تربیتند، تربیت شوند و از مکتب او فرار نکنند (مکارم شیرازی، تفسیرنمونه، ۱۳۷۱: ۱۶/۸).

۲-۱۱. تواضع و فروتنی با زیردستان

در آیه ۲۱۵ سوره شعراء به پیامبر اکرم دستور می دهد که با پیروان خود با تواضع و مهر و محبت رفتار کند: ﴿وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (شعراء/ ۲۱۵)؛ «[ای پیامبر!] بال و پر خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می کنند بگستر [و نسبت به آنان متواضع باش]» نظیر آیه (حجر/ ۸۸؛ فرقان/ ۶۳؛ لقمان/ ۱۸).

رفتار مدیران با زیردستان باید متواضعانه باشد، البته تواضع به معنای کنار گذاشتن قاطعیت نیست، بلکه ضمن قاطع بودن در تصمیم گیری، باید برخوردی متواضعانه و مؤدبانه داشت

(سلطانی، نیکوکار؛ مطالعات راهبردی بسیج، ۱۳۹۳: ۷۶/۶۴). در آیات قرآن که از جمله آن‌ها آیه فوق است، کرارا به پیامبر توصیه شده است که نسبت به مؤمنان متواضع، مهربان و ملایم باشد، این منحصر به پیامبر اسلام نیست، هر کس در شعاع وسیع یا محدودی وظیفه رهبری بر دوش دارد این اصل را که از اصول اساسی مدیریت صحیح است باید به کار بندد، چرا که سرمایه بزرگ یک رهبر محبت و پیوند معنوی پیروانش با او است، و این بدون تواضع و خوش‌رویی و خیرخواهی حاصل نمی‌شود (مکارم‌شیرازی، تفسیرنمونه، ۱۳۷۱: ۱۱/۱۳۶).

۱۲-۲. رعایت ادب گفتاری

﴿وَقُلْ لِّعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (اسراء/۵۳)؛ «و به بندگانم بگو: سخنی بگویند که بهترین باشد».

طبق آیه شریفه، یکی از مهم‌ترین معیارهای تکریم ارباب رجوع رعایت ادب در گفتار است که در این زمینه هرمدیری برای رشد و رونق موفقیت سازمانی خود باید توصیه‌های لازم را به زیر دستانش بنماید و طبیعی است که به تبع اولی رعایت این نکته از جانب شخص مدیر امری لازم و ضروری است.

۱۳-۲. رفق و مدارا

﴿وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾ (فرقان/۶۳)؛ «و هنگامی که جاهلان آن‌ها را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه گویند)، به آن‌ها سلام می‌گویند (و با بی‌اعتنایی و بزرگواری می‌گذرند)» نظیر آیه (فرقان/۷۲).

مدیر موفق و شایسته کسی است که بتواند با افراد مختلف تعامل درست و مناسب داشته باشد. چون در برخورد های اجتماعی معمولاً، هستند افرادی که جاهلانه و یا مغرضانه حرکات و رفتارهای تحریک کننده یا تخریبی انجام می‌دهند که در چنین مواردی شخص مدیر با مدارا با چنین اشخاص یا گروه‌هایی، سازمان و یا جامعه را از چالش دور می‌نماید.

نتیجه

بشر از همان روزهای نخستین برای اداره امور خود قوانینی را وضع نموده و به مرور زمان این قوانین را بسط و رشد داده است و به دنبال این رشد و گسترش، تئوری‌ها و نظریات فراوانی در دانش مدیریت مطرح گردیده؛ اما با تمام این احوال، مدیریت در عصر حاضر به دلیل این که صرفاً با نگاه حس و تجربه به دنیای بیرون نگریسته و اهداف خود را دنبال می‌کند، هنوز نتوانسته است کامل و صحیح، نیازهای انسان را در تمام ابعاد آن برطرف نموده و روح تشنه او را در این راستا اغنا نماید و این درحالی است که قرآن کریم به عنوان معجزه جاوید الهی، از ۱۴۰۰ سال پیش قواعد و قوانینی را در ابعاد مختلف اعتقادی، حرفه‌ای و اخلاقی و ... برای مدیریت و رهبری جامعه، طرح و عنوان کرد که اجرای عملی آیات آن از همان زمان نزول که توسط پیامبری امی به اجرا در آمد در مدت کوتاهی تحولی عظیم در عرصه‌های مختلف حیات بشری ایجاد کرد که ایجاد چنین تغییری با این وسعت و در آن زمان کوتاه از دست هیچ کس به دست نمی‌آمد و این امر نشان داد که قرآن کریم برای هدایت و اداره صحیح جامعه، برنامه‌ای جامع، مدون و مشخص دارد. گزاره‌های مدیریتی قرآن در حوزه‌های مختلفی قابل بررسی است. نمونه‌های، این گزاره‌ها در حوزه اخلاقی؛ مثل عدالت در رفتار و گفتار، امانت‌داری، سعه صدر، هم‌رنگی با مردم، مشورت، عفو و گذشت، خوش‌رویی، نصیحت‌پذیری، مناعت‌طبع و... بسیاری صفات اخلاقی دیگر که در آیات بیان گردیده و در حد امکان سعی شده است که در این پژوهش تبیین و تشریح گردد، گزاره‌های بلند و بی‌بدیلی است که در هیچ منبع و یا نوشتاری با چنین جامعیتی نیامده و نخواهد آمد. و این گزاره‌ها بعد دیگری از اعجاز علمی قرآن را با نام اعجاز مدیریتی نمایان می‌کند که از همان ابتدا دیگران از آوردن چنین مطالبی عاجز بودند و حتی بشر مترقی امروز هم که ادعای فراوانی دارد، هنوز نتوانسته به چرایی بسیاری از ابعاد مدیریت و حتی اهمیت برخی از این گزاره‌ها دست یابد و شاید با گذشت زمان بیشتر به اهمیت آن‌ها و ابعاد جدیدتری از آن پی‌برد. قرآن با قوانین مدیریتی و کارآمد از جانب خداوند، مدیرانی موفق و شایسته مثل انبیاء و مخصوصاً نبی اکرم و اولاد طاهرینش را به جوامع معرفی می‌نماید که نه فقط در عصر و زمان خود بلکه برای تمام جوامع در همه اعصار، الگویی تمام‌عیارند.

منابع

۱. قرآن، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، قم: دارالقرآن الکریم، چاپ دوم، ۱۳۷۳ ش.
۲. ابن فارس، ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغه، بی‌جا: نشرالاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: نشر دارالصادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۴. ابی مسکویه، احمد بن محمد، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، قم: نشر بیدار، چاپ سوم، ۱۴۱۱ ق.
۵. باقر الموسوی، محسن، مدیریت و نظام اداری از دیدگاه امام علی (علیه السلام)، مشهد: آستان قدس، ۱۳۸۴ ش.
۶. پورعزت، علی اصغر، مدیریت ما مدیریت اسلامی در پرتو نهج البلاغه امام علی (علیه السلام)، تهران: نشر بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۹۳ ش.
۷. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، مصر: نشر شرکت المكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ق.
۸. تقوی دامغانی، سیدرضا، نگرشی بر مدیریت اسلامی، قم: سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۹۶ ش.
۹. حلّی، حسن بن یوسف بن المطهر، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، قم: موسسه نشر اسلامی، چاپ نهم، ۱۴۲۲ ق.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب الفاظ القرآن، بیروت: نشر دارالعلم، ۱۳۸۱ ش.
۱۱. رضایی اصفهانی، محمد علی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، رشت: نشر مبین، چاپ دوم، ۱۳۸۱ ش.
۱۲. رضایی اصفهانی، محمد علی، تفسیر قرآن مهر ویژه جوانان، قم: نشر پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷ ش.
۱۳. رضائیان، علی، اصول مدیریت، تهران: نشر سمت، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۹۵ ش.
۱۴. سعیدی روشن، محمد باقر، معجزه‌شناسی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹ ش.

۱۵. سید رضی، محمد بن حسین بن موسی، نهج البلاغه، ترجمه دشتی، اصفهان: نشر فرهنگ مردم، چاپ دوم، ۱۳۸۰ ش.
۱۶. شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، نجف اشرف: نشر مطبعة الحیدریه، بی تا.
۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم سید محمد باقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش.
۱۸. عضدالدین ایجی، عبدالرحمان بن احمد، المواقف فی علم الکلام، بیروت: نشر عالم الکتب، بی تا.
۱۹. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران: نشر امیر کبیر، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۸۲ ش.
۲۰. فخر رازی، محمد بن عمر، المحصل و هو محصل افکار المتقدمین و المتأخرین من الحكماء و المتکلمین، قاهره: نشر مکتبه دار التراث، ۱۴۱۱ ق.
۲۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم: نشر مؤسسه دارالهجرة، ۱۴۱۴ ق.
۲۲. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: نشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸ ش.
۲۳. قرائتی، محسن، سیصد نکته در مدیریت اسلامی، تهران: نشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ ششم، ۱۳۹۱ ش.
۲۴. قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۷ ش.
۲۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع)، بیروت: نشر مؤسسه وفا، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۲۶. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: نشر دارالمکتبه الحیاه، ۱۳۰۶ ش.
۲۷. مصباح یزدی، محمد تقی، پیش نیازهای مدیریت اسلامی، گردآورنده: متقی فر، غلام رضا، قم: نشر مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۱ ش.
۲۸. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: نشر مرکز حوزه علمیه مرکز مدیریت، چاپ سوم، ۱۴۱۰ ق.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه، چاپ دهم، ۱۳۷۱ ش.

۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، مدیریت و فرماندهی در اسلام، قم: نشر نسل جوان، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۹ ش.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، تهران: نشر دارالکتب الإسلامیة، چاپ نهم، ۱۳۸۶ ش.
۳۲. نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، مصحح: بروجردی، شیخ محمود، تهران: نشر چاپ سنگی، ۱۳۱۲ ش.
۳۳. نوری طبرسی، حسین بن محمد، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، قم: نشر مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، چاپ دوم، ۱۳۶۶ ش.
۳۴. رضایی اصفهانی، محمدعلی، نجفی نژاد، علی، اعجاز اخلاقی قرآن کریم؛ تاریخچه و ویژگی‌ها، قرآن و علم، دوره ۱۰، شماره ۱۹، ص ۹-۳۲، ۱۳۹۵ ش.
۳۵. سلطانی، محمد رضا و نیکوکار، غلامحسین، تبیین ویژگی‌های کلیدی مدیران فرهنگی از منظر اسلام باکنکاش در قرآن و نامه ۵۳ نهج البلاغه، مطالعات راهبردی بسیج، شماره ۶۴، ص ۵۷-۸۶، ۱۳۹۳ ش.
۳۶. شجاعی زند، علیرضا، اقتدار در اسلام، فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی، سال دوم، شماره ۵، ص ۲۰۷-۲۱۹، ۱۳۷۶ ش.
۳۷. قوامی، سید صمصام الدین و لطفی، امیرعلی و رضایی اصفهانی، محمدعلی، اقتراح (مبانی و روش شناسی تفسیر مدیریتی قرآن)، قرآن و علم، سال سوم، شماره ۴، ص ۱۵۷-۱۸۶، ۱۳۸۸ ش.
۳۸. ملاکاظمی، محسن، نقش باورهای دینی در مدیریت، قرآن و علم، سال سوم، شماره ۴، ص ۱۳۹-۱۵۶، ۱۳۸۸ ش.
۳۹. موصلی، لطف الله و مستانه، زهرا، اعجاز مدیریتی قرآن با رویکردی بر نظام سلامت، پژوهش در دین و سلامت، دوره ۱، شماره ۱، ص ۴۸-۵۵، ۱۳۹۳ ش.
۴۰. مؤدب، سید رضا و لطفی، امیر علی، پیش فرض‌ها و مبانی مطالعات مدیریتی قرآن کریم، قرآن و علم، سال سوم، شماره ۴، ص ۱۱۷-۱۳۸، ۱۳۸۸ ش.
۴۱. نجاتبخش اصفهانی، علی، شهریار، بهاره، مقایسه ویژگی‌های مدیریت از دیدگاه قرآن کریم با مدیریت از دیدگاه تئوری‌های غربی، مجله پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم، بهار ۱۳۸۸، سال اول، شماره ۲، (از ۷۳ تا ۸۰).